



دیروز چه می گفتند؛
امروز چه می گویند!



گروه‌های پوچ انقلاب دیروز چه می‌گفتند؛ امروز چه می‌گویند! (۱)

بنیاد تاریخ پژوهی و دانش‌نامه انقلاب اسلامی

مُذَبِّدَيْنَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا^۱

سرگشتگان میان کفر و ایمان‌اند؛ نه با اینان و نه با آنان، آنکه خدا گمراهش کند هیچ راهی برای او نخواهی یافت.

مقدمه

دکتر عماد افروغ یکی از نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای با روزنامه‌کیهان در ۶ تیرماه ۱۳۸۴ گفت:

عده‌ای توقع نداشتند کسانی که یک روز هاشمی (رفسنجانی) را مظهر استبداد و اقتدارگرایی و خودکامگی معرفی می‌کردند دفعته‌ا در دور دوم انتخابات او را مظهر اصلاح‌طلبی، آزادمنشی و آزادگرایی معرفی

۱. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۳.

کنند. کسی که از بیرون قضاوت می کند می گوید: این چه روشنفکری در کشور است؟ این چه گروه های سیاسی است که دیروز آن گونه علیه کسی شب نامه، مطلب و کتاب چاپ می کنند اما یک دفعه تغییر موضع می دهند و پشت سرش می ایستند. اتفاقی که ما شاهدش بودیم و آن را یک بیماری و ضعف نظری برای روشنفکری می دانیم از تنعم آنها از شبکه قدرت و ثروت سرچشمه می گیرد...

این یک واقعیت تلخ تاریخی است؛ جریانی که در ایران خود را روشنفکری می خواند چه در لباس روحانیت و چه در قالب های مدرن از ابتدای تولد تا به امروز گرفتار بیماری مزمن «تذبذب» بوده است و دلیل عمده این بیماری مزمن و ریشه دار نیز به درستی ارتزاق این جریان از شبکه قدرت و ثروت در کشور می باشد؛ شبکه ای که پیوسته با تلاطم قدرت و ثروت همراه می گردد؛ تلاطمی که مشحون از بیش فعالی مخرب، سستی عقیده، فقدان مبانی نظری، عمل گرایی فاقد اندیشه، سرسپردگی به تقلید، غش کردن پیوسته به سمت دشمنان دین و ملت و از همه بدتر خیانت به آرمان های ملت ایران می باشد. این تمام کارنامه جریان، گروه ها، احزاب و افرادی است که در تاریخ معاصر ایران خود را روشنفکر می خوانند.

قرآن با «مذبذب» خواندن اینها تفسیر دقیقی از روان شناسی شخصیت فردی و سازمانی آنها ارائه می دهد؛ زیرا تذبذب حرکت چیزی است که در هوا آویخته باشد و هیچ جای پای محکم و استواری در روی زمین نداشته باشد. خداوند آدم های منافق را دارای چنین ویژگی هایی می داند زیرا منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند، به هر حرکتی می چرخند، به دیگران وابسته هستند و بی هدف سرگردان اند؛ «مذبذبین بین ذلک». منافقان، آرامش ندارند، به عبارت دیگر بیش فعال هستند؛ چون پیوسته باید موضع جدید بگیرند. به قولی هنوز مرکب موضع قبلی خشک نشده است موضع جدید اتخاذ می کنند و در مواضع اعتقادی و بینش فکری، قاطعیت لازم را ندارند.

هدف این سلسله یادداشت ها، تبیین مستند و مستدل تاریخ تذبذب روشنفکری و جریان های وابسته به آن نیست زیرا ملت بزرگ ایران از دوران قاجاریه تا به امروز با برخورداری از آموزه های ناب اسلامی و معارف اهل بیت سرنوشت سست و اسفبار جریان روشنفکری را با گوشه و پوست خود لمس کرده است و تاریخ سازی در این بخش حتی اگر با مهارت های خاصی انجام گرفته باشد نمی تواند ذهنیت تاریخی مردم نسبت به گذشته غیر قابل دفاع این جریان را تغییر دهد؛ همان طوری که کسی نمی تواند



با لطایف الحیل ذهنیت تاریخی ملت ایران نسبت به استعمار غرب و خیانت‌های تجددگراها و اصلاح‌طلبان سرسپرده به اروپا و آمریکا را تغییر دهد.

از آنجایی که تناقضات عجیب و غریب رفتاری، گفتاری و عقیدتی این افراد و جریان‌ها در طول تاریخ حیاتشان تا به امروز هزینه‌های سنگینی را به ملت ایران تحمیل کرده است تلاش خواهیم کرد از این شماره فصلنامه بخشی را تحت عنوان «دیروز چه می‌گفتند؛ امروز چه می‌گویند!» به این تناقضات اختصاص دهیم.

این بخش آینده‌ای است برای دیدن زشتی‌های تذبذب و نفاق در عقیده، رفتار و گفتار و زیبایی‌های استواری در عقیده و مقاومت در مقابل وسوسه‌های قدرت، ثروت و وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای، حزبی، گروهی و سازمانی. زیبایی‌هایی که هدف عمده آنها همگونی‌ها و سطوح هویت‌یابی مشترک و متداولی است که برای زندگی کردن با یکدیگر و در کنار هم ضروری است. تذبذب عموماً این همگونی‌ها و هویت‌یابی‌های مشترک را مورد حمله اعوان و انصار خود قرار می‌دهد.

در حوزه سیاست، مردم عموماً مصرف‌کننده محصولات گفتاری، رفتاری و عقیدتی کارگزاران حکومتی، گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی می‌باشند. این مسئله دست‌مایه مناقشات مختلفی در جامعه است. اگر «خودبرگزیده‌های» یک جامعه که خود را نخبگان می‌خوانند به این مسئله توجهی نکنند و اختیار عقلانی رفتارها، گفتارها و ابراز عقاید خود را از کف بدهند و آن را در اختیار نفس سرکش قرار دهند، اولین حوزه‌ای که آسیب جدی خواهد دید استقلال، آزادی و جمهوریت ایران عزیز در حوزه سیاستگذاری خواهد بود که آسیب جبران‌ناپذیر به فرآیند مردم‌سالاری جامعه است. هیچ جریانی در ایران و خارج از ایران قدرت آن را ندارد که به اسلامیت نظام لطمه‌ای وارد سازد چون اسلام در عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران نفوذ دارد. در الگوی نظام جمهوری اسلامی ایران ضربه زدن به اسلامیت نظام تنها از طریق اختلال و تشکیک در جمهوریت نظام امکان‌پذیر است. اگر هنوز عده‌ای این مسئله را باور ندارند بهتر است نگاهی به کتاب/ستر/تژی/امنیت ملی/امریکا در قرن ۲۱ بیندازند. در این کتاب استراتژیست‌های امریکایی می‌گویند:

ممکن است (حتی به احتمال زیاد) که در بیست و پنج سال آینده حکومت مذهبی ایران سقوط کند.^۱ در حال حاضر حکومت ایران جمهوری اسلامی است؛ اما نمی‌تواند به مدت طولانی هم جمهوری و

۱. قابل ذکر است که این کتاب حدود ۱۴ سال پیش یعنی در آستانه ورود به سال ۲۰۰۰ نوشته شده است.

هم اسلامی باقی بماند. ایران باید یا از جمهوری بودن دست بردارد و به یک حکومت واقعاً قرون وسطایی تنزل یابد و یا اسلامی بودن را کنار بگذارد. نبرد برای آن آینده هم اینک آغاز شده اما نتیجه برای کسی روشن نیست.^۱ اگر رژیم فعلی سقوط کند امواج آن در سراسر جهان اسلام احساس خواهد شد و به تبع آن، جنبش های اسلامی بنیادگرا ضربه خواهند خورد.^۲

همان طوری که روشن است غرب از مفهوم جمهوری اسلامی و بودن جمهوریت و اسلامیت در کنار هم دل خوشی ندارد و از زمان دولت سازندگی و دولت اصلاحات تا به امروز تمام توان خود را به کار گرفته است که بین این دو جدایی ایجاد کند. جدا شدن این دو در ایران، در رأس سیاست های خاورمیانه ای دولت امریکا و متحدانش قرار دارد و غرب می داند مهار جنبش های بیداری اسلامی در جهان تنها از طریق ضربه زدن به پیوستگی اسلامیت و جمهوریت در نظام سیاسی ایران است. زیرا کارآمدی این مفهوم در نظام جمهوری اسلامی به معنای برآمدن الگوی جمهوری جدیدی غیر از جمهوری های سکولار غربی به ویژه برای جهان اسلام است.

متأسفانه از آنجایی که سیاست در جامعه ما بیش از حد معقول رسانه ای شده و مردم هر روز بیش از پیش از روش ها و صورت بندی های سنتی سیاست یعنی آگاهی خانه به خانه، محله به محله، مسجد به مسجد و هیئت به هیئت فاصله می گیرند و در فضاهای مجازی به دنبال هویت یابی مستقیم و بی واسطه می گردند تذبذب رفتاری، گفتاری و عقیدتی نخبگان، قدرت تخریبی بیشتری بر جای می گذارد.

در این بخش تا می توانیم از تحلیل رفتارها و گفتارها پرهیز خواهیم کرد و اگر هم توضیحاتی در پی نقل و قول ها ارایه می شود صرفاً برای تقریب ذهن به اصل واقعه و تعیین موضع کلام می باشد. تا جایی که اطلاع داریم در طول تاریخ کسی افراد باثبات عقیده را به عنوان افرادی خشک و بدون تغییر و ایستایاد نکرده است؛ همان طوری که کسی یک نظام سیاسی باثبات را به عنوان یک نظام ایستا و بدون تغییر یاد نمی کند. اکثر متفکران و دانشمندان و محققان متفق القول اند که ثبات عقیده در افراد و ثبات

۱. خوانندگان محترم عنایت داشته باشند که مراد نویسندگان از این جمله اشاره به جنگ های زرگری اصلاح طلبان در دولت آقای خاتمی در مورد تقابل جمهوریت و اسلامیت نظام است. جنگی که هنوز توسط اصلاح طلبان ادامه دارد.

۲. استراتژی امنیت ملی/ امریکا در قرن ۲۱، تدوین کمیسیون استراتژی امنیت ملی امریکا، ترجمه جلال دهمشگی و دیگران، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲.



سیاسی در نظام‌ها نه تنها مستلزم حذف امکان تغییرات مهم اجتماعی و سیاسی نیست بلکه شرط لازم چنین تغییراتی می‌باشد. هدف ما در این بخش مشخص کردن برخی از ضعف‌ها و ناپایداری‌های شخصیتی در تحلیل‌ها یا بی‌ثباتی عقیدتی در افراد و جریان‌هایی است که حدودی برای این ناپایداری‌ها و بی‌ثباتی‌ها قائل نیستند و در جه تقابل آرای آنها نه تنها در موضوعات اجتماعی بلکه حتی در موضوعات شرعی که عموماً حلال و حرام‌ها و مستحب و مکروه‌ها در آن تابع قواعد باثباتی است بسیار عجیب و غریب می‌باشد. در جایی مخالفت با یک فرد را مترادف با کفر و خروج از دین می‌دانند و در جایی دیگر خود سردمدار همه مخالفت‌ها با همان فرد می‌شوند. در جایی با صدها آیه و حدیث به آسمان و زمین می‌زنند تا اثبات نمایند که حد و مرزی برای اختیارات فقیه در شریعت وجود ندارد و در جای دیگر حتی اختیارات بدیهی فقیه در امور شرعیه را که تردیدی برای آن در طول تاریخ وجود نداشت را مورد تشکیک و نفی قرار می‌دهند. تغییر و دگرگونی مبتنی بر منطق عقل و ادله شرعی و حتی بعضی از شرایط اجتماعی توسط هیچ کسی در طول تاریخ تقبیح نشده است اما آنچه قبیح است پریشانی عقیده، رفتار و گفتار در هر روز و هر دقیقه و فتوایی متضاد و متناقض با فتوای گذشته در یک موضوع و مصداق صادر کردن و مردم را به این سو و آن سو کشاندن و شالوده همبستگی و وحدت اجتماعی را به هم ریختن است. این بخش روی سخنش با کسانی است که با رفتارهای متزلزل خود جامعه را به سمت پریشانی و گم‌گشتگی نشانه‌ها هدایت می‌کنند؛ ویژگی آدم‌های مذبذب چنین است. چون خود فاقد نشانه هستند جامعه و افراد آن را نیز بی‌نشانه می‌سازند.

ذکر این نکته ضروری است که جریان روشنفکری در ایران را باید در هر لباسی و در هر پایگاهی و با هر عنوانی، در صورت‌بندی یک پدیده تاریخی نظیر هر پدیده تاریخی دیگر مطالعه کرد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که مانند بعضی‌ها گرفتار این توهم نگردیم که پیش‌انگاشت ما از مفهوم روشنفکری ما را از شناخت دقیق آن باز دارد. زیرا در این پیش‌انگاشت هر کسی تصور می‌کند که ماهیت این جریان را دقیقاً می‌شناسد و اسم روشنفکری دلالت بر وجاهت آن دارد. این پیش‌انگاشت معلول فریبندگی‌های ناشی از مأنوس بودن با مفاهیم و پدیده‌هاست. در ذهن ما عموماً تصویر مأنوسی از این مفاهیم و معانی داریم اما این انس و هر آنچه ممکن است در دفاع از آن گفته شود هیچ جایگاهی درون چهار چوب ارزیابی‌های یک محقق اجتماعی و همچنین در چهار چوب ارزیابی‌های علوم تجربی و علم تاریخ ندارد.

البتّه باید بی درنگ اضافه کنیم که رهیافت‌های این بخش با یک لوح سفید آغاز نمی‌شود زیرا کانون توجه آن محدود به کسانی است که به هر دلیلی به خاطر مواضع متناقض و متضاد خود در مقابل انقلاب اسلامی صف‌آرایی کرده‌اند. ما به منظور جای دادن این مواضع در چهارچوب تفسیری وسیع‌تر ناگزیر از تکیه کردن بر مواضع کسانی هستیم که با این مواضع به جنگ آرمان‌های یک ملت آمده‌اند و تفاوتی میان بی‌ثباتی، سست‌عقیدگی و وادادگی خود با تمایلات واقعی مردم قائل نیستند و این بی‌ثباتی را عین تمایلات جامعه معرفی می‌کنند. بنابراین هشدارهای اخلاقی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این بخش نه از موضع برآمده از اختلافات عقیدتی و سیاسی بلکه از روی احساس اضطراب شناختی برای دفاع از انقلابی است که برای به ثمر نشستن آن خون پاک‌ترین فرزندان این مرز و بوم بر زمین ریخته شد. عدم پرهیز از این اضطراب شناختی را به تمامی کسانی که دل در گرو دفاع از انقلاب اسلامی و نادیده گرفتن منافع قومی، فامیلی، شخصی، جناحی، حزبی و جریانی دارند، شدیداً توصیه می‌کنیم.

نخستین حاصل این هوشیاری اضطراب شناختی آن است که برخلاف توهّمات خواص عوام‌زده، هر عقیده‌ای مورد احترام و تکریم نیست و امکان ندارد تار و پود حکومتی که بر اساس دین شکل گرفته و دوام می‌یابد کاری با دین مردم نداشته باشد و اگر نه چگونه می‌توان مجاهدت‌های انبیا و اولیا در طول تاریخ را در مبارزه با بی‌دینی، شرک، جهل، ظلم و فساد توجیه کرد؟ اگر قرار است هر عقیده‌ای محترم باشد و دولت جمهوری اسلامی نیز کاری با دین مردم نداشته باشد چگونه می‌توان دم از حق و باطل، زشت و زیبا، ظلم و عدل، فقر و غنا و بسیاری از مفاهیم زیبای بشری زد؟ دومین حاصل این هوشیاری آن است که نشان دهد فرآیندهای این مواضع متناقض قابل برگشت است بنابراین اعمال شکی معقول در قبال همه این اظهارنظرهای متناقض حق هر کسی در جامعه است. ما می‌خواهیم در این بخش شرایط این شک معقول را با ارایه اسناد فراهم سازیم.

مهمترین پرسشی که هر فرد مسئول در قبال این تناقض‌گویی‌ها با آن روبه‌روست این است که برای دستیابی به اهداف شخصی، خانوادگی، قبیله‌ای، جناحی و حزبی چقدر رنج انسانی قابل قبول است و ملت مظلوم و وفادار ایران چقدر باید هزینه پرداخت نماید تا خوی جاه‌طلبی‌های این افراد و جریان‌ها ارضاء گردد؟ آیا قربانی شدن نسل نهضت مشروطیت، نسل نهضت ملی شدن صنعت نفت، نسل جنبش خونبار ۱۵ خرداد سال ۴۲ و نسل سایر جنبش‌های اجتماعی دوران معاصر برای ارضاء این تمایلات کافی نیست؟



نمایش مواضع متزلزل این افراد و جریان‌ها کمک می‌کند تا هزینه‌های انسانی این فرآیند که در ایران تبدیل به یک روش سیاسی و فکری شده است تا حد امکان تقلیل یابد. ما در هدف اخلاقی تمامی کسانی که مایل هستند پژوهش‌های اجتماعی ایران این مسائل را به صورت مفهوم قابل فهم در آورد کاملاً شریک هستیم.

متأسفانه هیچ راه دیگری جز قطع این گره کور و درگیر شدن با تمایلات نفسانی و جناحی این افراد نداریم. کسانی که تندروی‌ها و کندروی‌های خود و جریان و جناح و خانواده و قبیله خود را به پای مردم، نظام، امام و اسلام می‌گذارند و تاوان سست‌عنصری، پریشانی رفتاری، گفتاری و عقیدتی خود را از مردم می‌گیرند هیچ حد و حصری را رعایت نمی‌کنند. برای کنترل چنین افراد و جریان‌هایی تنها آگاهی جامعه راهگشا خواهد بود. به تعبیر یکی از متفکران غربی، آگاهی، آرایش تصادفی عناصر تشکیل دهنده آن نیست؛ آگاهی در الگوهای سازمان داده می‌شود که می‌توان آنها را به طور منظم توصیف کرد.^۱ هدف اصلی این بخش منظم کردن اسنادی است که برای ما امکان توصیف و تحلیل رفتارهای پریشان افراد و جریان‌های مذکور را فراهم می‌سازد.

شیخ یوسف صانعی دیروز چه می‌گفت؛ امروز چه می‌گوید؟

مختصری درباره شیخ یوسف صانعی

شیخ یوسف صانعی را که امروز معارضان داخل و خارج انقلاب تحت عنوان آیت‌العظمی و مرجع تقلید یاد می‌کنند، ملت ایران به ویژه نیروهای نسل اول به خوبی به یاد دارند. شیخ یوسف صانعی تا روز پیروزی انقلاب از الفبای سیاست بیگانه بود و در آن روزگاری که جوانان جان بر کف حوزه‌های علمیه با مبارزات بی‌امان خود رژیم شاه را به ستوه آورده بودند، نامبرده در زمره بی‌خبران بود و حتی دستی از دور بر آتش نداشت، لیکن خود ادعا می‌کند که در سال‌های نخست بعد از پیروزی انقلاب عضو شورای نگهبان و تا سال ۱۳۶۴ دادستان کل کشور بود:

زمانی که امام مبارزات را شروع کرد، ما در خدمت امام بودیم، منتها ما حلقه‌های چهارم و سوم مبارزه بودیم... حلقه سوم منبری‌های تهران بودند که تبلیغ می‌کردند و یا منبری‌های بلاد، ما در کنار حلقه سوم مبارزات بودیم...^۲

۱. پیتر برگ و دیگران، *ذهن بی‌خانمان*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نی، ۱۳۸۱، ص ۲۷.

۲. *شهروند/مروزی*، ۱۳۸۶/۸/۲۰، ش ۲۴.

صانعی در اول انقلاب ابتدا به عضویت شورای نگهبان در آمد و مدتی بعد به عنوان دادستان کل کشور منصوب گردید ولی این بار هم دو سال و نیم بعد استعفای وی به دست حضرت امام رسید. آقای صانعی دلایل کناره گیری خود را در نامه ای به محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی چنین برشمرده بود:

۱. ضعف نیروی جسمی ۲. عدم پذیرش و تحمل نظارت بر حسن اجرای قانون از ناحیه گروه ها و باندها ۳. داشتن افکار و مبانی در مسائل اسلامی که بنا بر نظرات برخی از آقایان، آراء شاذ محسوب می شد و در برابر این آراء مقاومت می شد ۴. کم لطفی برخی از مقامات و جامعه در مورد پشتیبانی از دادستانی.

در روزهایی که صانعی دادستان کل کشور بود، مسئله عدم صلاحیت آیت الله شریعتمداری برای مرجعیت از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اعلام شد. در آن زمان حجت الاسلام موسوی تبریزی - که امروز خود را یکی از روحانیون اصلاح طلب روشنفکر معرفی می کند - به عنوان دادستان کل انقلاب اسلامی با موافقت امام خمینی (ره)، طی نامه ای مصادره اموال شریعتمداری و انتقال آن به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را - که در آن زمان توسط آقایان عبایی خراسانی و جعفری گیلانی و دیگران که بعدها جزء نیروهای جناح چپ بودند - خواستار شد. حضرت امام نیز آقای صانعی را مأمور اجرای این حکم کردند و در هاشم نامه موسوی تبریزی مرقوم فرمودند: «جناب آقای صانعی طبق ورقه عمل شود.»

آیت الله صانعی که پس از استعفا به قم بازگشته بود به فعالیت های حوزوی توجه نشان داد اما آرام آرام تغییرات عجیب و غریب در افکار، رفتارها و گفتارهای وی هویدا شد و پریشانی های متناقض از آنچه دیروز می گفت با آنچه امروز می گوید آشکار گردید. اگر چه صانعی تلاش می کند که چرخش های عقیدتی، رفتاری و گفتاری خود را نه به شخصیت متزلزل خود بلکه به تغییر شرایط این دوران نسبت به دوران امام خمینی حواله دهد لیکن هر عاقلی که اندکی اطلاع از قواعد فقهیه داشته باشد می داند که چرخش دوران و شرایط اجتماعی، هیچ گاه تغییری در ماهیت احکام الهی ایجاد نمی کند و حلال را حرام و حرام را حلال نمی سازد.

در کجای تاریخ مشاهده شده است که یک عالم اسلامی چه برسد به کسی که ادعای مرجعیت دارد به خاطر مخالفت با افکار و اندیشه های یک کارگزار دولتی به وی نسبت حرام زاده دهد و نسبت به تبعات شرعی و قضایی این اتهام جاهل باشد. متأسفانه تذبذب در اعتقادات و پریشانی در رفتارها و گفتارها و عوام زدگی در صدور فتاوی شرعیه باعث



شد که گفته‌های دیروز آقای صانعی با گفته‌های امروز وی تفاوت‌های ماهوی داشته باشد و مردم ندانند که کدام صانعی را باید باور کرد؟!^۱

صانعی دیروز می‌گفت:

- من به عنوان یک مسئله شرعی می‌گویم که تخلف از فرمان آیت‌الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام صادق (ع) و رد بر امام صادق (ع) رد بر رسول‌الله (ص) و رد بر رسول‌الله (ص)، رد بر الله و موجب خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است و طبق روایت عمر ابن حنظله در باب ولایت فقیه رد بر او در حد شرک بالله است و...^۲

- تأیید ایشان یک واجب الهی است نه یک مستحب.

- ... مسئله یک امر جزئی نیست و عدم تأیید ترک واجب است و ترک واجب موجب معصیت و خروج از عدالت است.

امروز می‌گوید:

- «مالانص فیه» هیچ ولایتی ندارد. در این موارد، مدار بر مصلحت جامعه است، به تشخیص خود جامعه، و فقیه نمی‌تواند نظر خود را تحمیل کند و الاثباتاً سر از استبداد درمی‌آورد.^۳

صانعی دیروز می‌گفت:

- اگر روزی امضای مقام رهبری از روی قانون اساسی برداشته شود آن قانون اساسی ارزش ندارد.

- مراجعه به دیگران یعنی قبول نکردن حرف مقام رهبری است و قبول نکردن حرف مقام رهبر برمی‌گردد به قبول نکردن حرف مقام ولی عصر (عج). ... پس نه تنها مراجعه به دیگران احتیاج نیست بلکه معصیت و خلاف شرع است.

امروز می‌گوید:

- باید توجه داشت که مشروعیت جمهوری اسلامی زمانی حاصل

۱. این بخش با برداشت از مقالات آقای دکتر امید حسینی در هفته‌نامه ۹ دی نوشته شده است. خوانندگان محترم می‌توانند برای آگاهی بیشتر و عمیق‌تر با افکار متشتت شیخ یوسف صانعی رک: سلسله مقالات؛ پاسداشت مرجعیت واقعی / نقد دیدگاه‌های فقهی و سیاسی شیخ یوسف صانعی در هفته‌نامه مذکور؛ ظاهر آ نویسنده مذکور این مقالات را تحت عنوان «بازخوانی دیدگاه‌های فقهی و سیاسی آیت‌الله صانعی در سال ۱۳۹۰» از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به شکل کتاب منتشر کرده است.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۳/۲۲، ش ۲۹۰۶، ص ۳.

۳. همشهری، ۱۳۷۸/۳/۱۳.

می شود که توده مردم در انتخابات شرکت کنند و اگر توده مردم شرکت نکنند، از نظر قانون اساسی، مشروعیت دچار مشکل می شود.^۱

صانعی دیروز می گفت:

- قانون اساسی که خون بهای صدها هزار شهید و معلول است، تا آن موقعی ارزش دارد که مقام رهبری آن را می پذیرد اما اگر روزی مقام رهبری در جامعه قانون اساسی را نپذیرفت، دیگر این قانون اساسی با همه محتویاتی که دارد، نمی تواند حکومت را اسلامی کند، چون اساس این قانون، ولایت فقیه است.^۲

امروز می گوید:

- به طور کلی مشروعیت اعمال حاکمیت و حکومت قانونی در زمان غیبت منوط به رأی مردم است. بنابراین بی اعتنایی به رأی مردم و آنان را سیاهی لشکر دانستن، خود یکی از مصادیق بارز خرافه پرستی و موهومات است، چرا که منجر به استبداد و دیکتاتوری و شخص پرستی و تملق و چاپلوسی و موجب سلب آزادی های افراد می شود. تکیه بر جنبه های فیزیکی امر به معروف و نهی از منکر، بی پاسخ گذاشتن اشکالات دیگران، به سبک کار و عملکرد مجریان و بسنده کردن به این جمله صرف که «اسلام این را گفته!» و همه مسائلی که طی زمان مردم را به اسلام بدبین می کند نیز از مصادیق خرافه پرستی است.^۳

صانعی دیروز می گفت:

- آنچه بر طبق این قانون توسط نمایندگان تصویب می شود و از مجلس شورای اسلامی می گذرد، مانند رساله باید به آن عمل نمود، چون قانونی که از مجلس می گذرد به عنوان حکم حکومت رعایتش بر همه واجب است و این تا جایی است که مقام رهبری آن را پذیرفته باشد، ممکن است که رهبران آینده جمهوری اسلامی، قانون اساسی فعلی را قبول نکنند... طوری شود که مقام رهبری نخواهد و بگوید: من این قانون اساسی را قبول ندارم که در این صورت، قانون اساسی از ارزش قانونی اسلامی افتاده است. تمام ارزش این قانون به آن است که ولی عصر (عج)

۱. گفت و گو با صدای امریکا N.P.R در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲.

2. <http://www.amaliat.blogfa.com/post-226.aspx>

۳. شرق، ۱۳۸۴/۴/۸.

آن را پذیرفته ما نیز می‌پذیریم.^۱

امروز می‌گوید:

- باید توجه داشت که با فرض پذیرش حکومت در اسلام و اینکه دین و کتاب و سنت طرفدار نظم و عدالت و آزادی و رسیدن افراد به حقوق خودشان می‌باشند، چاره‌ای جز مشروعیت قوانین در نظامات اجتماعی نداشت و ندارد و گرنه باید قوانین و مقررات شهرداری‌ها، راهنمایی و رانندگی و آموزش و پرورش و ثبت احوال و اسناد و... همه و همه را خلاف موازین شرعی دانیم و طرفدار هرج و مرج و بی‌قانونی باشیم که نعوذ بالله منه، آری بدیهی است که در وضع قوانین باید رعایت مصالح جامعه بشود که تشخیص با آن هم تنها و تنها با نمایندگان محترم مردم است که به یک اعتبار، خود مردم می‌باشند که خداوند آنها را بر سرنوشت‌شان حاکم قرار داده است.^۲

صانعی دیروز می‌گفت:

- دشمنان و خائنین نشینند و مصوبه مجلس خبرگان را وسوسه کنند. مسئله حقوقی و قانونی را نمی‌شود با وسوسه حل کرد. یک اصل مسلم در دنیا این است که هر قانونی که در دست مجری افتاد فهمش معتبر است...

- متزلزل کردن نظام اسلامی که موجب عسر و حرج و ضربه به مردم و کیان اسلامی می‌باشد خلاف شرع است.

- آقا در منصب قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه در متن انقلاب و حوزه بوده این همه نعمت‌هایی را که از انقلاب داشته، فراموش می‌کند و به جای اینکه از برکات انقلاب و بازسازی جاده و مدارس و روستاها و تلفن و آب و برق و دیگر نعمت‌های انقلاب بگوید، افکار روشنفکر مآبانه پیش گرفته است. اگر این انقلاب نبود، خانواده او و الان خود او در کجا بودند. ما هیچ چیز نداشتیم. حتی نمی‌گذاشتند که تاریخ رسول اکرم (ص) را توی قبرستان‌ها بنویسند، حتی اجازه نداشتیم مسئله‌ای بگوییم و امام در نجف مسئله می‌گفتند به جای اینکه تبلیغ از اسلام و انقلاب نکنند

۱. همان.

۲. همبستگی، ۱۳۸۱/۱/۲۶.

هم‌دست با یکسری افراد منحرف و یاوه‌گو می‌شوند.^۱

امروز می‌گوید:

- قضیه آقای منتظری که اتفاق افتاد، روحانیت یا سکوت کردند و یا

تأیید؛ و تنها من بودم که در این وسط ایستادم.^۲

صانعی دیروز می‌گفت:

- تان‌بض مسلمین در دست ولی فقیه که جانشین از طرف امام معصوم

است نباشد، این بدبختی‌ها و فشارها ادامه خواهد داشت.

- ولایت فقیه در همه چیز حاکم است و می‌تواند خلاف هر مقرری و

آیین‌نامه‌ای را بگوید. حتی می‌تواند خلاف قانون و مصوبات مجلس را

هم بگوید...

- ولایت فقیه سایه‌ای از ولایت ولی عصر (عج) است. به یک معنی خود

ولایت ولی عصر (عج) می‌باشد.

- باید توجه داشت که قانون اساسی نسبت به رهبر و ولایت فقیه‌ی که

ما ثابت می‌کنیم کوتاه آمده است؛ یعنی حق ولایت فقیه به معنایی که

مورد اعتقاد ماست در قانون اساسی نیامده است.^۳

- اینکه در قانون اساسی یک مطلبی بود ولو به نظر من ناقص است و

روحانیت بیش از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب

دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند، یک مقداری کوتاه آمدند،

اینکه در قانون اساسی هست این بعض شئون ولایت فقیه است نه همه

شئون ولایت فقیه.^۴

- مردم چه رأی بدهند و چه ندهند، فقیه آگاه به زمان، ولی است و

حکم او واجب و اینکه در قانون اساسی رأی را پیش‌بینی کرده به خاطر

این است که پایگاه مردمی پیدا کند.^۵

- من نمی‌دانم که چگونه باید تعبیر کرد، اما این همان ولی عصر (عج)

در قالب ولایت فقیه جلوه می‌کند و در قالب ولایت فقیه متبلور و روشن

۱. اظهارات صانعی پس از عزل منتظری.

۲. اظهارات صانعی در ۱۳۸۸/۵/۲۹، دفتر صانعی با حضور جمعی از عناصر اصلاح‌طلب.

۳. یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی/از دیدگاه قرآن، حدیث و قانون اساسی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰، ص ۱۵۰.

۴. همان.

۵. همان.



می‌شود...

- امروز صحبت کردن علیه جمهوری اسلامی صحبت کردن علیه اسلام، رسول الله، ولی امر (عج) است و اگر به این نظام و حاکمیت ضربه بخورد به اسلام ضربه خورده است و این تنها نظامی است که مسئولین آن با همه مشکلات برای رضای خدا و رضایت امت انجام وظیفه می‌کنند.

امروز می‌گوید:

- نظر مجلس ششم بر ولی فقیه هم ترجیح دارد.
- مجلس و شورا در فرض تراحمش با بقیه افراد و آرا در حکومت، نظر مجلس شورا مقدم است.^۱
- خداوند در امور سیاسی هیچ کسی را قیم بر مردم قرار نداده است.^۲

صانعی دیروز می‌گفت:

- در برخوردها بعد از آنکه با اخلاق اسلامی برخورد کردید، حاضر نشد به شما جواب بدهد و حاضر نشد امنیت مملکت را حفظ کند. شما می‌توانید او را دستگیر و به دادسرا بفرستید، چون این جرم مشهود است... بعد از اخلاق اسلامی اگر دیدید حاضر به جواب دادن نشد و شما به او مشکوک هستید، به عنوان احتمال یک حرکت ضد انقلابی و جرم مشهود و مبارزه با امنیت مملکت می‌توانید دستگیرش کنید و او را به دادسراها و مراجع قانونی بفرستید. اگر کسی اعتراض کرد بگویید فلانی (صانعی) به عنوان یک دادستان در فلان سخنرانی و صحبتش این را گفت و من این را به عنوان یک مسئله قضایی دارم، به شما می‌گویم و مسئولیت آن هم به عهده من است. به آنان که پاسخ شما را نمی‌دهند، بگویید در صورت ندادن پاسخ ما شما را به دادسراها جلب می‌کنیم و آنها را به عنوان جرم مشهود و حرکت ضد انقلاب به دادسراهای انقلاب بفرستید، چون احتمال توطئه است. پاسخ دادن او واجب است و فرض است که جواب شما را بدهد و واجب است که شما هر چه گفتید جواب بدهد. آنها نمی‌توانند بگویند آزاد هستم. خیر، تو آزاد نیستی. تو از این

۱. یاس نو، ۱۳۸۲/۴/۱.

۲. دیدار با اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۸.

آزادی می خواهی آزادی را ببری و از این آزادی می خواهی انفجار و ترور به وجود بیاوری. برای چه جواب نمی دهی؟ تو که صبح تا شب این همه حرف می زنی از دو کلمه جواب دادن خودداری می کنی؟ و شما به او بگویید که می توانید او را به دادسرا جلب کنید و اگر باز جواب نداد به عنوان جرم مشهود جلب کنید و مسئولیت آن هم با بنده به عنوان یک دادستان و حافظ حقوق جامعه است. با اینها قاطعانه برخورد کنید. باید اینها از شما بترسند... ضد انقلاب باید آنقدر از شما بترسد که عکس شما را ببیند فرار کند و اگر این جور شد، مسلمان صد درصد هستید.^۱

امروز می گوید:

- ای آقایان! هرگز از صدمه و ضربه به انقلاب نترسید و تا فردی حرف زد با این استدلال که سخن او صدمه ای به انقلاب است با او برخورد نکنید. بنابراین مردم را اذیت نکنیم و به آنها نگوییم که تو علیه انقلاب حرف زدی، خوب اگر فردی هم علیه انقلاب حرف زد با حرف جوابش را بدهید. به افراد نگوییم که تو علیه انقلاب نوشته ای، چه چیزی نوشته است؟ مگر فردی می تواند با نوشته اش به انقلاب صدمه بزند؟ چرا می گوییم که حاکمیت را زیر سؤال بردی؟ مگر می شود حاکمیت جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد؟ مگر می شود با این کتاب ها و تألیفات امام راحل و با این استقلال حوزه علمیه که امیدوارم تا ظهور مهدی دوام پیدا کند حاکمیت را زیر سؤال برد؟^۲

به راستی کدام صانعی متعادل، معقول و اسلامی می اندیشد و کدام یک از گفتارهای وی را باید خارج از هوای نفس و تفسیرهای قومی و قبیله ای و جناحی دانست؟ گفته های دیروز یا گفتارهای امروز را؟!

این چه روش ناپسندی است که افراد وقتی خود در رأس قدرت و مکتب و حکومت هستند همه چیز حتی زیر پا گذاشتن خون شهیدان و در افتادن با کمترین اعتراضات مردم را نه تنها مباح بلکه واجب و عین شریعت و دموکراسی و قانون و حقوق بشر می دانند اما به محض اینکه به هر دلیلی از اریکه قدرت به زیر آمدند همه آنها قبیح و حرام و ناپسند و ضد آزادی و ضد قانون جلوه داده می شوند؟! روشنفکران تا وقتی سر در

۱. جمهوری/اسلامی، ۱۳۶۱/۱۲/۱۱، اظهارات صانعی در دیدار با گشت ثارالله.
 ۲. اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۴.

گریبان استبداد رضاخانی و محمدرضاخانی داشتند نه از آزادی خبری بود نه از قانون و نه از دموکراسی، اما به محض اینکه ارتباط آنها با قدرت و ثروت بریده شد پرچمدار مبارزه با استبداد و آزادی خواهی و دموکراسی در ایران شدند.

ابتلائے صامی در مراسم بزرگداشت شهدای هفتم تیر در کنار مظلومیت شهدا بیاد جنایات ضد انقلاب باشید و بدانید مادر برابر دشمنان این نظام باشد تمی ایستیم

همزمان با نخستین سالگرد شهادت امام حسن مجتبی (ع) و در بازیدین روز ماه مبارک رمضان، در آستانه هفت تیر ماه، شب گذشته با حضور جمعی از مردم شهیدپرور و نهان راسی در محل شهادتگاه آیت الله دکتر بهشتی و ۲۲ تن از یاران امام برگزار شد.

در این مراسم ابتدا آیت الله از قرآن کریم توسط فرزندان شهید دکتر بهشتی، سخن تلاوت شد و پس از قرائت اشعاری به مناسبت میلاد امام حسن (ع) و سالگرد اشعاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، آیت الله صامی، دانشسنگ کشور سخنانی ایراد کرد. وی با استناد به آیاتی از کلام الله مجید و روایاتی از ائمه اطهار پیرامون دو مسئله اساسی اسلام یعنی تولد تیری بهشتیان و عقیبت بهشتیان به این مسائل در جامعه اسلامی امروز کشورمان پرداخت و ضمن توصیه مردم به رعایت آنها افزود: امروز این مسئولیت عظیم و وادیه سنگین بر عهده ملت شهیدپرور و رمان مسئولین جمهوری اسلامی است که چون اسوه و الگو بوده و مدعی عقیبت فادان به رجعت همه آیند و اولیاء هستند به شوی تلاش کنند که شاهی محروم بهمان شاهر، علامه کنند و جباران به ما بیکو بگو در این جهت باید ما مورد تهنیلات فروغ شرق و غرب و سازمانهای کثای دناغ از جاول بشر باشیم و اگر یک روز آمریکا از ما تریه کند، آنروز محبت ملا شکت انقلاب اسلامی است و اگر شوروی از ما تیش کند، روز غراهیشتن زیست شکت

ما فرارداره، بجای اینکه همه نیروها متوجه جنگ تمیمی و تیرد با شرق و غرب باشند، نیامان افکار مارا منحرف و نیروهای ما را صرف یکدیگر کنند.

دانشسنگ کل کشور انکه با اشاره به مقاله تیرین شهید انقلاب اسلامی دکتر بهشتی که شهادتت باعث شکت ضد انقلاب شد و با اشاره به اینکه بر حسب فر مورد دناغهای انقلاب شهادتت شایسته ترار میگردد، گفت: دشمنان لاابون که هر از آنجا هستند، مصولا تو بهیتر نیستند.

آیت الله چون ماروخیه کرده ای هستند که به محض آزادی، ایسی میشود و همین تویه کرده ها هستند که وقتی حکم اسدماشان صادر می شود، روز خود را می خورند و شما مردم اگر ندید که می، خواهان شهادتت تیر فرار دند، به فکاه شهادی عفت تیر بیاید و در کنار مظلومیت این شهید، بیاد جتیات ضد انقلاب جانیته و بداند که ما برادره آتشی که با این نظام دشمنی کرده و میکند سا

کاتلشت لیستامو می تیرم و شایم نشده و خواهم شد.

آیت الله صامی در ادامه شهادت از جمله اشعاری که از نظام سابق بجای نند است، به اشعاره به گوشه های دیگر زیست تیرری احکام اسلامی درکای سوت نقیاتی صورت میگردد، گفت: مردم مگر شکت تولیاتی را که روزم طاقون طی بچاه سال تکمیل کرده است، می توان چند روز از تیر برد، بکه این کار خدای بچاه سال طول می، کشد.

آیت الله صامی در پایان سخنانش، یکبار دیگر بر سر مسئولیت امت مسلمان و متعهد و مسئولین مسلمت در جای علامه، شهادتت باجباران، جنگ تا بهروزی نمانی، ماروزه با شرق و غرب و بداند، روی از انده اطهار تکیه کرد.

وی همچنین به مناسبت ولادت باسعادت امام حسن مجتبی (ع) (شهادی از زندگی برادر و شایق آن حضرت را مرشرد.

۲۹۷
گروه های پوچ انقلاب دیروز چه می گفتند امروز چه می گویند (۱)
دوره سوم سال یازدهم - شماره ۲۹ - بهار ۹۳



تانبض مسلمین در دست ولی فقیه نباشند، فشار و بدبختی ادامه خواهد داشت

م - در سالروز ولایت با مسلمانان هشتین احقر
تانبض آسمان ولایت و امامت علی بن موسی الرضا (ع)
چپی از برادران و خواهران مسیح مستغنین
سواء باستانان انقلاب اسلامی ارکاد در قم یا آیتالله عینی
دانشگاه کل کشور بدیاری کردند . براین دیدار دانشمندان
کل کشور ضمن تبریک سالروز میلاد باسعادت حضرت
تانبض آسمان علی بن موسی الرضا (ع) تانبض برادران حاکمیت
الله و ولایت فقیه پرچامه مسلمین . به خوشحالی
دانشمندان جهان اسلام امریکائی و رواج شاد در
میان اینگونه جوامع جهت به ذات کشتن کشتن اشاره
کرد و گفت : رسالت های گروهی کشورهای پیشرفته اسلامی
در برابر جنایات رژیم پشی میهن پرستی عراق که مراکز
و شهرهای ما را به باران کرده و مردم مظلوم و غیرمظلومی
را به خاک و خون می کشند سکوت میکند ولایت دانشمندان
مسلمانان ظاهری و باطنی است که اینگونه جوامع را فرا

گرفته است .
وی فرمود : ولایت انزود و تانبض مسلمین در دست
ولی فقیه کشتن از طرف امام مسموم است نباشد .
این بدبختی و فشار ادامه خواهد داشت .

وی در ادامه مسلمانان خود ضمن تانبض جاسه
اسلامی ایران با تانبض کشورهای اسلامی و عشق و ایمان
صل چون به اسلام و حاکمیت اسلامی و عشق آنان در تانبض
حاکمیت الله در نظام جمهوری اسلامی گفت : جوانان ما که
در رژیم گذشته به فساد کشیده بودند امروز در نظام
جمهوری اسلامی به فساد عشق و ایمان و اسلام به تانبض
های جنگ و پیشانی از جهنم حرکت میکنند و تانبض
جوانان ما حاکم حاکم اسلامی هستند . بگوئید که ما
امروز نیروی کافی داریم که تانبض کل را از تانبض
مسلمانان و حاکمیت اسلامی انتفاع کنیم .

دانشمندان کل کشور همچنین اشاره کرد : امروز لش
ممنوعین و حضرت ولی امر (عج) در این حاکمیت حاکمیت
و همه قدرتها به دست اسلام و قرآن است و ما اگر به تانبض
رستگاری دنیا و آخرت را بخواهیم ، باید حاکمیت امام را
حفظ و به تانبض ایمان عمل نماییم .

آیتالله عینی تاکید کرد : کسی که طرفدار قانون
را دوست ندارد خود میل کننده به قانون است و کسی
که قانون شکن را دوست دارد خود قانون شکن است .

آیتالله عینی به اشاره به تانبض ایرادها علیه
نظام جمهوری اسلامی و تانبض چنگ ملیه این نظام توسط
آژان و مشکلات موجود در چشمه گفت : امروز مسیح
کردن ملیه نظام جمهوری اسلامی صحبت کردن علیه اسلام
رسول الله و ولی امر (عج) است و اگر به این نظام و حاکمیت
شریه بخورده به اسلام شریه بخورده است و این تنها
نظامی است که مسیحولین آن با همه مشکلات برای رفاهی
خدا و جلب رضایت است انجام می کنند .
وی در پایان از امت همیشه در صحت و انقلابی سان
خواست در برابر قانون و مشرقات و خط امام سرشمار
فرود آورده و نظام حق ترست و این نظام را تانبض
تانبض که فردا در برابر خدا و محکمه مثل الهی جوابگو
خواهند بود .

المداد
۲۴/۵/۳۱
۱۷۵۸۹

ص ۶۲
 ۲ من به عنوان يك مساله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای
 خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است

در پخشنامه معتبر است، تقریباً ۶۰ نفر از خبرگان معتبر نیست و ضمناً اصل چهار قانون اساسی همه این مسائل را حل کرده است. اصل چهار می گوید که تمام

و موجب خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است و طبق روایت عصرین حنظله در باب ولایت فقیه رد بر او در حد شرک پناه است.

و اما حفظ و تقویت آیت الله خامنه‌ای هر چه بیشتر تأکید و تقویت شود، اسلام و انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمیه و فقه و قرآن تقویت شده است.

تأکید ایشان بک واجب الهی است نه یک منصب. مسئله کیان اسلام و عظمت اسلام است. مسئله یک امر جزئی نیست و عدم تأکید، فترت واجب است و ترک واجب موجب محضرت و خروج از عدالت است.

آیت الله مصطفی حسرت معصومه (س) برگزارش خبرنگار صادر این مجلس آیت الله مصطفی طی سختی با اشاره به شرح صدر حضرت امام و فرزندی که در جامعه آفرینند گفت: نمی شود خدا اینچنین عارفی را آنچه که می خواهد به او ندهد بقیلاً خداوند طبق وعده‌ای که داده است انقلاب که اصلی ترین خواسته امام بوده به ثمر خواهد رسید.

آیت الله مصطفی در ادامه سخنانش ضمن فراتر رفتن از وصیتنامه حضرت امام که در آن همه مراجع، علماء و مردم را به حضور در صحنه و حمایت از نظام اسلامی توصیه کرده و مسامحه در امور مسلمین را از گناهان دانسته است گفت: من بعنوان یک مسئله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام معاند (ع) و رد بر رسول الله (ص) و رد بر رسول الله (ص)، رد بر الله

فقه خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی: بهمناسبت شب هفت رحلت جانگداز رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دبیرخانه مرکزی امام خمینی، شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی، بنیاد ۱۵ خرداد و بنیاد شهید قم و بسیا حشدور حجت الاسلام والمسلمین توسلی از اعضای دفتر امام و جمعی از اساتید و مدرسین حوزه علمیه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ابواء اقتدار مختلف مردم عزاداران قم و هزاران تن از راهپایان شتاق با امام، مجلس پاشکوهی شب تیره در صحن مطهر حضرت معصومه (س) برگزار شد.

مجلس آیت الله مصطفی طی سختی با اشاره به شرح صدر حضرت امام و فرزندی که در جامعه آفرینند گفت: نمی شود خدا اینچنین عارفی را آنچه که می خواهد به او ندهد بقیلاً خداوند طبق وعده‌ای که داده است انقلاب که اصلی ترین خواسته امام بوده به ثمر خواهد رسید.

آیت الله مصطفی در ادامه سخنانش ضمن فراتر رفتن از وصیتنامه حضرت امام که در آن همه مراجع، علماء و مردم را به حضور در صحنه و حمایت از نظام اسلامی توصیه کرده و مسامحه در امور مسلمین را از گناهان دانسته است گفت: من بعنوان یک مسئله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام معاند (ع) و رد بر رسول الله (ص) و رد بر رسول الله (ص)، رد بر الله



فردی نیست، و از طرفی از آنجا که اختیاری به عنوان یک روش کیفی و کیفی به عنوان یک روش کمی در نظر گرفته می شود، بنابراین هر دو روش در کنار هم می توانند به خوبی به منظور بررسی مسائل پیچیده و گسترده مورد استفاده قرار گیرند. در این مقاله، از روش های کیفی و کمی برای بررسی مسائل پیچیده و گسترده استفاده شده است. در این مقاله، از روش های کیفی و کمی برای بررسی مسائل پیچیده و گسترده استفاده شده است.

[illegible]

و اگر تا روز اثناسیوس یا شاهرور می‌رسد و در آن قطع بنده می‌شود مثل ماهوتی،

حاکمتی و استیلا می‌باشد است و بر مقامی مقدم است و هیچ چیز نمی‌تواند مقام او را از توحید کند هرچون کند کنند همان معنی است و تخلص از آن گناه معصیتی کبیره است و توحید او را از هر کسی داد نسبت به احتیاجی بنظر توحید است و نسبت بلکه مراد به سیدمرکان و معصیت و خلاف است و مراد به سیدمرکان است از مقام شاه و میر و تفسیل آن مقام است مراد به سیدمرکان یعنی لیون کردن در مقام میر است و سید لیون کردن در مقام میر است و سید لیون کردن در مقام میر است (جاء) سید توحید مراد به سید احتیاج است و بلکه معنی و خلاف است و مراد به سیدسلطان باید از نوع اعمال است

هنگامی که ولی امر حکمی داد مراجعه به دیگران معصیت

و خلاف شرع است



● حاکمیت ولی امر همه جا است و بر همه چیز مقدم است و هیچ چیز نمی تواند مقام ولی امر را تهدید کند

[illegible][illegible][illegible]

آیت الله عسکری طی سخنانی در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها:

۲ من به عنوان يك مساله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه ای
خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است
۶۸/۵/۲۳
۲۹۰۶

هنگامی که ولی امر حکمی داد مراجعه به دیگران معصیت
و خلاف شرع است



● حاکمیت ولی امر همه جا
است و بر همه چیز مقدم است
و هیچ چیز نمی تواند مقام

آیت الله عسکری دادستان کل کشور در مراسم تبار جمعه یزد :

امروز در کشور اسلامی ما، «حدود»،
دیات، قصاص و تعزیرات اجرا
می شود

آیت‌الله خاتمی امام جمعه یزد در حضور مردم در جیب‌ها تاکید کرد

انسانی قدرت : شورای ملی، قضائی، سازمان بازرسی کل کشور و پزشکی قانونی شورای ملی قضائی نظارت میکند و باید میان این ارگان قرار دهیم که قدرت را خود را به نام آن تنظیم کند و تعاضد در این نظام برای قضائی بسیار مشکلی است و اگر آن نام معلوم.

یاد - اگر حرکات نامر جمعه یزد با حضور دیگر رهبران مسلمان و ایرانی نظیر باهنویز انجام داد ، آیت الله خامنه ای نامش را گسترده می خواند که از خطبه ها مذهبی بیان داشت . وی در ارتباط با این انقلاب اسلامی و گسترش آن در زمینه های مختلف در جهان و در بین مسلمانان و مسیحیان دنیا آورده است . انقلاب اسلامی جهان در جهان گسترش پیدا کرده و باعث غریب و دوست ساز شدن و امر چنانچه نامش شروع فریب می بیند نامی



بسمہ کلامی
اجتہاد حضرت سے آریہ اللہ
خا سہ ایں تہ طلقہ اسلامی جہا
وہ ایتہا تہا نیا ت بہ نظر دارن
تہا شستہ و نیا و ورنہ تہا مستقر
سکم یسا شد ملکہ فقیہہ جامع الفرائد
و جہا اکتاہ اسے ایتہا تہ
سازہ اشہ برور سلیو شد و مہ صیف صا لکھ
۱۳۱۱

آیت الله صانعی:

تخلف از فرمان آیت الله

خامنه‌ای
گناه
معصیتی

بزرگ است

شنبه شب هفته گذشته بمناسبت شب هفت رحلت جانگداز رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، بنیاد شهید ۱۵ خرداد قم، و با حضور اقشار مختلف مردم مجلس با شکوهی در صحن مطهر حضرت معصومه (س) برگزار شد.

در شب هفت رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی، آیت الله صانعی طی سخنانی با اشاره به سعی صدر حضرت امام و ارزشهایی که وی در جامعه بوجود آورد گفت: نمی شود خدا این چنین عارفی را آنچه که می خواهد به او ندهد، وی افزود: یقیناً خداوند طبق وعده‌ای که داده است، انقلاب که اصلی ترین خواسته امام بود به ثمر خواهد رساند. آنگاه وی با حمایت از رهبری مقام رهبری آیت الله خامنه‌ای گفت: من به عنوان يك مسئله شرعی می گویم که تخلف از فرمان آیت الله خامنه‌ای گناه و معصیتی است بزرگ و رد بر او، رد بر امام صادق (ع) و رد بر امام صادق (ع) و رد بر رسول الله (ص) و رد بر رسول الله (ص)، رد بر الله و موجب خروج از ولایت الله و ورود به ولایت شیطان است و طبق روایت عمر ابن حنظله در باب ولایت فقیه رد بر او در حد شرك بالله است.

وی افزود، و اما حفظ و تقویت آیت الله خامنه‌ای هر چه بیشتر تائید و تقویت شود، اسلام و انقلاب اسلامی و حوزه های علمیه و فقه و قرآن تقویت شده است.

مجله دنیای ورزش سال نوزدهم - شنبه ۲۷ خرداد

۱۳۶۸ - شماره ۸۹۹ ص ۱۷